

A Sociological Study of the Impact of Citizens' Economic Capital and Their Conflict of Interest with the Government on Tax (Evasion) Culture (Case Study: Bojnoord City)

Received: 04, October, 2024

Accepted: 08, February, 2025

Article type: Research Article

PP: 1-26

DOI:

[10.22034/entezam.2025.1280531.2644](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280531.2644)

Gh0rban Ali Pourghasem

Ph.D. Candidate, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Iran.
Email:

ali_purghasem@yahoo.com

Alireza Esmaeili

Assistant Professor, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Iran. (Corresponding Author) Email:
are1346@gmail.com

Mohammadreza Naeimi

Assistant Professor, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Iran.
Email:

m.r.naeimi60@gmail.com

Abbas Ali Arab

Assistant Professor, Islamic Azad University, Azadshahr Branch, Iran.
Email:

abbasaliarab@yahoo.com

Abstract

Background and Objective: This research aims to study the impacts of citizens' economic capital and their conflict of interest with the government on tax culture.

Method: The research method is quantitative. The statistical population includes taxpayers in Bojnoord who paid their taxes in 2020 and are also required to pay their taxes in 2021, numbering 30,000. Considering the known number of taxpayers in Bojnoord, simple random sampling was used, and the statistical sample size was determined to be 384 individuals using Cochran's formula. The data collection tool includes a researcher-made questionnaire. Data were analyzed using one-sample t-tests and Pearson's correlation test. The software used was SPSS.

Findings: The data from the research indicated that the independent variable of economic capital includes 3 components: income, housing, and occupation. The independent variable of conflict of interest includes 6 components: social justice, economic welfare, administrative and financial corruption, public trust, accountability, and social participation. The dependent variable includes 4 components: tax advertising, tax laws, efficiency of tax expenditures, and education or socialization of taxpayers. Based on the interviews conducted in the qualitative section, 3 hypotheses were formulated.

Results: The results showed that all hypotheses were confirmed. This result means that by making changes in the economic capital of citizens and also improving their relationship with the government through reducing or resolving conflicts between their interests and the government, we can witness a reduction in tax evasion.

Keywords: Tax culture, Economic capital, Conflict of interest, Government, Bojnoord.

Citation(APA): Pourghasem, Ghorban Ali, Esmaeili, Alireza, Naeimi, Mohammadreza, & Arab, Abbas Ali (2024). A Sociological Study of the Impact of Citizens' Economic Capital and Their Conflict of Interest with the Government on Tax (Evasion) Culture (Case Study: Bojnoord City), *Journal of Social Order*, 16(3), 1-26.

Doi: [10.22034/entezam.2025.1280531.2644](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280531.2644)

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اقتصادی شهروندان و تعارض منافع آنان با دولت بر فرهنگ (فرار مالیاتی) (مطالعه موردی: شهر بجنورد)

چکیده

زمینه و هدف: مسئله این پژوهش، مطالعه تأثیرات سرمایه اقتصادی شهروندان و تعارض منافع آنان با دولت بر فرهنگ مالیاتی بوده است.

روش: روش انجام این پژوهش، کمی است. جامعه آماری شامل مودیان مالیاتی شهر بجنورد است که در سال ۱۳۹۹ مالیات خود را پرداخت کرده و در سال ۱۴۰۰ نیز باید مالیات خود را پرداخت کنند و تعداد آنها ۳۰ هزار نفر بوده که، با توجه به مشخص بودن تعداد مودیان مالیات شهر بجنورد، نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شده و حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول حداکثری کوکران برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق ساخته است. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تی تک نمونه و آزمون پیرسون، تحلیل شده‌اند. نرم‌افزار مورد استفاده نیز SPSS بوده است.

یافته‌ها: داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد که متغیر مستقل سرمایه اقتصادی، شامل ۳ مولفه درآمد، مسکن و شغل؛ متغیر مستقل تعارض منافع، شامل ۶ مولفه عدالت اجتماعی، رفاه اقتصادی، فساد اداری و مالی، اعتماد عمومی، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی و متغیر وابسته، شامل ۴ مولفه تبلیغات مالیاتی، قوانین مالیاتی، کارآمدی مصارف مالیاتی و آموزش یا جامعه‌پذیری مودیان مالیاتی است. براین اساس، از مجموع مصاحبه‌های به عمل آمده در بخش کیفی، ۳ فرضیه طراحی شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که کلیه فرضیه‌ها مورد تأیید بوده است. این نتیجه به این معنا است که ما از طریق ایجاد تغییر در سرمایه اقتصادی شهروندان و همچنین بهبود رابطه آنان با دولت از طریق کاهش یا حل تعارضات میان منافع آنان با دولت، می‌توانیم شاهد کاهش فرار مالیاتی باشیم.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مالیاتی، سرمایه اقتصادی، تعارض منافع، دولت، بجنورد.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۳

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۱-۲۶

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2025.1280531.2644](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280531.2644)

قربانعلی پورقاسم

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزاد شهر، ایران. رایانامه:

ali_purghasem@yahoo.com

علی‌رضا اسماعیلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزاد شهر، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

are1346@gmail.com

محمدرضا نعیمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزاد شهر، ایران:

m.r.naeimi60@gmail.com

عباس‌علی عرب

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزاد شهر، ایران

abbasaliarab@yahoo.com

استناد (APA): پورقاسم، قربانعلی، اسماعیلی، علی‌رضا، نعیمی، محمدرضا، و عرب، عباس‌علی (۱۴۰۳). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اقتصادی شهروندان و تعارض منافع آنان با دولت بر فرهنگ (فرار مالیاتی) (مطالعه موردی: شهر بجنورد). نشریه علمی/انتظام اجتماعی، ۱۶ (۳)، ۱-۲۶.

شناسه دیجیتال: [10.22034/entezam.2025.1280531.2644](https://doi.org/10.22034/entezam.2025.1280531.2644)

از زمان شکل‌گیری حکومت‌ها تاکنون، یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی کشورها مالیات بوده است که تا به امروز نیز دولت‌ها سعی کرده‌اند به شیوه‌های گوناگون آن را از مردم خود دریافت کنند. به‌طور مثال طی دو دهه اخیر در ایران، مالیات بر ارزش افزوده وضع شده که به بسیاری از امور جاری مردم تعلق می‌گیرد (طلائی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۴). در کشورهای توسعه‌یافته، دولت‌ها از سیستم مالیاتی مناسبی برخوردار هستند و برخی از آنها بین ۸۰ تا ۹۰ درصد از بودجه سالانه خود را از طریق منابع مالیاتی تامین می‌کنند. یکی از دلایل کارآمدی نظام مالیاتی این دولت‌ها را می‌توان فرهنگ مالیاتی مطلوب آنها عنوان کرد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷). از نظر جامعه‌شناسان، آگاهی نسبت به فرهنگ مالیاتی جامعه، برای مدیران و سیاست‌مداران کشور اهمیت زیادی داشته و هرچه میزان فرهنگ مالیاتی، غنی‌تر باشد، مودیان مالیاتی، رغبت بیشتری برای پرداخت مالیات دارند (طلائی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵). برعکس، با پایین‌تر آمدن سطح فرهنگ مالیاتی، فرار مالیاتی در کشورها افزایش یافته و تمایل شهروندان برای پرداخت مالیات، کاهش پیدا می‌کند (باوفا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۶). کشورهای توسعه‌یافته درآمدهای بالایی که از منابع مالیاتی خود دارند درحالی‌که کشورهای کمتر توسعه‌یافته و یا در حال توسعه، از درآمدهای مالیاتی پایینی برخوردار هستند که دلیل آن را می‌توان تاحدودی به پایین بودن فرهنگ مالیاتی در این کشورها نسبت داد (باوفا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷). فرهنگ مالیاتی، مجموعه‌ای از بینش‌ها، درک‌ها و طرز تلقی افراد در قبال نظام مالیاتی است (حسینی نوریان و همکاران، ۱۳۹۸: ۵). در سیستم مالیاتی ایران نگاه مثبتی نسبت به مالیات وجود نداشته و پرداخت داوطلبانه مالیات ضعیف است (طلائی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵). از این‌رو، بررسی عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ مالیاتی در ایران، امری ضروری است. به‌نظر می‌رسد که دلایلی در این زمینه وجود دارد: از جمله این‌که وجود منابع درآمدی دیگر نظیر نفت، گاز و ... از یک‌سو و تلاش مردم برای فرار از مالیات به دلیل نبود فرهنگ مالیاتی از سوی دیگر، باعث کاهش سطح درآمد مالیاتی در

ایران بوده است. در این پژوهش رابطه فرهنگ مالیاتی با دو عامل سرمایه اقتصادی (ویژگی مثبت) و تعارض منافع (ویژگی منفی) در قالب شیوه کمی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از این راه بتوان دریافت چگونه می‌توان فرار مالیاتی را در میان مردم کاهش داد.

سرمایه اقتصادی و میزان دارایی شهروندان می‌تواند بر میزان تمایل آنان برای پرداخت مالیات اثرگذار باشد. در بسیاری از کشورها شهروندان براساس میزان دارایی خود اقدام به پرداخت مالیات می‌کنند (یونس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۸۴) بنابراین آنچه در واقعیت رخ می‌دهد، این است که تمام افراد به‌نحوی و به‌میزانی که دارایی دارند، مالیات می‌دهند. اما از دیدگاه برخی از پژوهشگران (حسن‌وند و همکاران، ۱۳۹۹؛ بلانثرو و کاپلان^۲، ۲۰۱۸) سرمایه اقتصادی رابطه‌ای معکوس با فرهنگ مالیاتی دارد و با افزایش سرمایه شهروندان تمایل کمتری به پرداخت مالیات پیدا می‌کنند. این نظریه‌پردازان در تبیین دیدگاه خویش به دو دلیل توسل می‌جویند: اول این که هرچه سرمایه فرد بیشتر باشد، به‌طور قطع مبلغ مالیاتی که به درآمد او تعلق می‌گیرد نیز به صورت تصاعدی بالاتر خواهد بود که در این حالت، سرمایه‌داران بیش از افراد دیگر احساس می‌کنند که سرمایه خود را از دست می‌دهند. به‌عبارت دیگر، در این حالت، حس از دست دادن سرمایه در افراد ثروتمند، نسبت به دیگران بیشتر است که البته این تفکر، منطقی است. دوم این که منبع درآمد افراد عادی و کم‌سرمایه، معمولاً از سرمایه آنها نیست؛ یعنی به‌طور مثال کارمند عادی دولت یا یک شهروند ساده، از سرمایه خود درآمدزایی نمی‌کند. در حالی که سرمایه‌داران، اغلب از سرمایه خود درآمد ایجاد می‌کنند و به‌همین دلیل نیز با دادن مالیات، آنها بیش از دیگران حس می‌کنند که سرمایه خود را از دست می‌دهند. با توجه به این دو دلیل، رابطه‌ای منفی میان سرمایه و گرایش به پرداخت مالیات در شهروندان وجود دارد (محمدی، ۱۴۰۲: ۱۳). برخلاف این که می‌توان سرمایه اقتصادی را به عنوان یک متغیر و عاملی مؤثر بر فرهنگ

^۱ Yunus

^۲ Blanthrone, C. and Kaplan

مالیاتی در نظر گرفت، اما تاکنون پژوهش مستندی پیرامون رابطه سرمایه اقتصادی و فرهنگ مالیاتی صورت نگرفته و همچنان ارتباط این موضوع در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

همچنین یکی از موارد مهم و تأثیرگذار در زمینه فرهنگ مالیاتی که تاکنون مورد بررسی و توجه قرار نگرفته و خلا تحقیقاتی بزرگی در این زمینه وجود دارد، موضوع تعارض منافع شهروندان با دولت، در پرداخت مالیات است. تعارض منافع به شرایطی که فرد مالیات‌دهنده میان تعهدات و منافع شخصی در تضاد می‌یابد، اطلاق می‌شود (حمزه‌سیاه‌بیل و همکاران، ۱۴۰۰: ۵) که باید به‌درستی مدیریت شود تا زمینه‌ساز فساد نشود (انصاری، ۱۴۰۱: ۳۰۰). این تعارض بسته به نوع رفتار دولت، مصارف مالیات و روابط شهروندان با دولت، می‌تواند متفاوت باشد.

براساس آنچه گفته شد، هم سرمایه اقتصادی و هم تعارض منافع شهروندان با دولت به عنوان عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی شناخته می‌شوند که البته تأثیر آنها تنها در قالب نظریه یا تجربه بیان شده است. از این‌رو مسئله این پژوهش، مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اقتصادی و تعارض منافع شهروندان با دولت بر فرهنگ مالیاتی شهروندان شهر بجنورد است (جامعه آماری؛ یعنی شهر بجنورد به این دلیل انتخاب شده که این شهرستان، در سال ۱۴۰۲ کمترین میزان گرایش به پرداخت مالیات یا بیشترین میزان فرار مالیاتی را داشته است (جبارخالد، ۱۴۰۳: ۲)). به عبارت دیگر مسئله این پژوهش، این است که سرمایه اقتصادی و تعارض منافع شهروندان با دولت، چه تأثیراتی بر فرهنگ مالیاتی شهروندان شهر بجنورد به جا می‌گذارد؟

پیشینه پژوهش

زنگانه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر بهبود فضای کسب‌وکار در استان گلستان» به این نتیجه رسیدند که سرمایه فرهنگی بر ارتقای مالیاتی مؤثر است.

طلائی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه فرهنگ مالیاتی و ریسک شرکت‌ها با تأکید بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» که با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های بورسی از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۶ انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین فرهنگ مالیاتی و ریسک شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد. باوفا و همکارانش (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تقویت فرهنگ مالیاتی استان ایلام» به این نتیجه رسیدند که تلاش برای ارائه اطلاعات در زمان مناسب، آموزش و تربیت مؤدیان مالیاتی، توجه به عدالت مالیاتی، ارائه انواع تسهیلات مالیاتی، تشویق مؤدیان نمونه، اعمال جریمه برای مؤدیان متخلف و خاطی، نبودن تبعیض در اجرای مقررات و قوانین و آگاهی اجتماعی از چگونگی و نحوه مصرف منابع مالیاتی از عوامل تأثیرگذار بر فرار مالیاتی هستند. حیدری و قاسمی (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفی با عنوان «ارائه الگوی پارادایمی فرهنگ مالیاتی نزد مؤدیان مالیاتی در شهر اصفهان» به این نتیجه رسیدند که اغلب مردم بنا به دلایلی به‌ویژه نارضایتی از جامعه سیاسی و مالی، علاقه زیادی به پرداخت مالیات ندارند. حیدری و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ مالیاتی بر مبنای واکاوی نظام معنایی مؤدیان مالیاتی در شهر اصفهان» به این نتیجه رسیدند که عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ مالیاتی شامل گرایش مردم نسبت به یک سیستم سیاسی، درآمد شهروندان، شغل شهروندان و ... شناسایی است. حسینی‌نوریان و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ مالیاتی در شهرهای غرب استان مازندران» به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

ویلیام اپینا^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تحصیلات دانشگاهی بر شکل‌گیری فرهنگ مالیاتی در حسابداری دولتی» دریافت که تحصیلات اثری منفی بر فرار مالیاتی دارد. نورژان کاندکوف^۲ و همکارانش (۲۰۲۱) در پژوهش

^۱ William Alberto Pirela Espina

^۲ Nurzhan Kuandykov

خود با عنوان «بررسی رابطه فرهنگ مالیاتی و ارتباطات مالیاتی در قزاقستان» چنین نتیجه گرفتند که آگاهی شهروندان می‌تواند گام بزرگی در شکل‌گیری مالیات‌دهندگان صادق و افزایش اعتماد به نهادهای دولتی باشد. ریموند آتگوبا^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل فرهنگ مالیاتی در کشور غنا» نتیجه گرفت که فرهنگ مالیاتی در هر محیطی وابسته به مجموعه‌ای از شاخص‌ها است که عبارت‌اند از: تاریخچه مالیات، بسیج درآمد مالیاتی، شفافیت نظام مالیاتی، تخلف مالیاتی، حل اختلاف مالیاتی و رضایت مالیات‌دهندگان. محقق سپس نشان داده که مسئله اصلی این است که سهم هر یک از این عوامل به یک اندازه نیست، بلکه درجه تأثیرگذاری هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است. کریستی‌آندرا^۲ و همکارانش (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی فرهنگ مالیاتی به عنوان یک عنصر جدید تشکیل‌دهنده سیستم‌های مالی» نتیجه گرفتند که فرهنگ مالیاتی به آموزش مودیان و توسعه فرهنگ ملی، به دگرگونی ادارات مالیاتی وابسته است. ایرینا کوروستلینکا^۳ و همکارانش (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی الگوهای روابط مالیاتی^۴ در جهت بهبود فرهنگ مالیاتی و انضباط مودیان مالیاتی در راستای توسعه پایدار» به بررسی مدل‌های موجود در روابط مالیاتی پرداختند و نتیجه گرفتند که مشخص کردن تعامل مالیات‌دهندگان و دولت، امکان مشارکت در امر مالیات اختیاری را فراهم می‌کند. اندوفسکی و لومساذز^۵ (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی فرهنگ مالیاتی و اندازه اقتصاد در مطالعات اروپایی» به مشکلات مربوط به وابستگی متقابل فرهنگ مالیاتی یک کشور و اندازه اقتصاد آن براساس رویکردهای علمی بنیادی و نتایج مطالعات مدرن انجام شده توسط دانشمندان اروپایی، پرداختند و رابطه مثبتی را بین اندازه اقتصاد و فرهنگ مالیاتی تعریف کردند.

^۱ Raymond A. Atuguba

^۲ Ghana

^۳ CRISTEA LOREDANA ANDREEA

^۴ Irina Korostelkina

^۵ Patterns of financial relationships

^۶ discipline

^۷ D.A. Endovitsky and D.G. Lomsadze

مروری بر نظریه‌ها و تحقیقات قبلی، نشان می‌دهند که مسئله پژوهش حاضر، تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است، بنابراین می‌توان این مسئله را دارای نوآوری دانست که می‌تواند پیشگام تحقیقات بعدی باشد. با این حال همین تحقیقات اندک نشان می‌دهند که نقاط ضعفی در این پژوهش‌ها وجود دارد که تحقیق حاضر می‌تواند در این زمینه، به عنوان الگویی جدید باشد تا به این طریق، ضعف و کاستی تحقیقات قبلی را پوشش دهد. به‌طور مثال برخی از این تحقیق‌ها تنها به صورت کیفی انجام شده‌اند که نمی‌توان آنها را دارای قدرت تعمیم بالایی دانست. دوم این که در اغلب این تحقیقات، عوامل مثبتی که می‌توانند به فرهنگ مالیاتی کمک کنند، مورد مطالعه بوده‌اند، در حالی که در همین مطالعات، بعضاً عواملی بوده‌اند که تنها نقش ناچیزی در ارتقای فرهنگ مالیاتی یا دوری از فرار مالیاتی داشته‌اند. حاکم در این تحقیق، نقش یک عامل منفی نیز در مقابل عامل مثبت، مورد توجه بوده و انتظار می‌رود، تأثیر نسبتاً زیادی را در کاهش فرار مالیاتی یا افزایش فرهنگ مالیاتی شهروندان بجنوردی ایفا کند. در نهایت می‌توان گفت بیشتر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که فرهنگ مالیاتی تنها در میان شرکت‌های بزرگ، مورد توجه بوده است، در حالی که در تحقیق حاضر، نحوه مالیات‌دهی شهروندان که اصلی‌ترین منبع در تامین مالیات شهرها و کشورها است، مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری

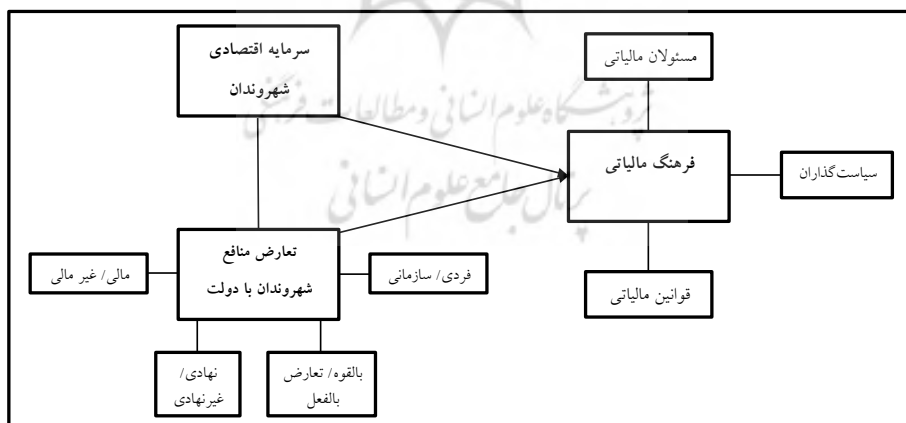
تاکنون نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در رابطه با سرمایه اقتصادی، تعارض منافع و فرهنگ مالیاتی به اندازه کافی مطرح نشده‌اند، ولی پنج نظریه مهم درباره ارتباطات میان سرمایه اقتصادی، تعارض منافع و فرهنگ مالیاتی ارائه شده است. اولین نظریه، متعلق به گریس (۲۰۲۲) است. او معتقد است که عوامل نسبتاً متفاوتی بر فرهنگ مالیاتی مؤثر هستند که در این میان، سرمایه اقتصادی، در رأس آنها قرار دارد. درواقع افرادی که سرمایه بیشتری دارند،

احتمالاً صاحب تفکرات برتری هستند، بنابراین در ارتباط با نحوه پرداخت مالیات داری دو تفکر عمده‌اند: اول اینکه برخی از آنها ممکن است معتقد باشند که به دلیل سرمایه فراوان خود، لازم است که مالیات خود را پرداخت کنند. تفکر دوم این است که برخی از سرمایه‌داران ممکن است این‌گونه بیندیشند که به دلیل توان مالی بالا، هم می‌توانند قانون را دور زده و از پرداخت مالیات فرار کنند و هم این‌که باید سرمایه زیادی را برای پرداخت مالیات از دست بدهند، از این رو آنها در می‌یابند که سودشان در فرار از مالیات است (گریس، ۲۰۲۲: ۱۰).

بیفردو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) از نظریه‌پردازان دیگر در این زمینه هستند که رابطه تعارض منافع را با فرهنگ مالیاتی مطرح کرده‌اند. منظور از تعارض منافع این است که یک فرد که در مقام عمومی قرار دارد، ممکن است به دلیل نفع شخصی، منفعت عمومی را که همان اجرای صحیح فعالیت خویش است، نادیده بگیرد و در واقع آن را فدای سود خود کند. بیفردو و همکاران (۲۰۲۲) می‌گویند که رابطه دولت و مردم یا شهروندان به دو طریق شکل می‌گیرد: نخست، مراجعه‌هایی که مردم برای انجام امور روزمره خود به نهادهای مختلف انجام می‌دهند (نظیر رجوع به بانک‌ها و ...) که در این حالت این شهروندان هستند که به دولت نیاز دارند. دوم، پرداخت مالیات است که شهروندان انجام می‌دهند و مصداقی از نیاز دولت به مردم است. به این ترتیب به اعتقاد بیفردو و همکاران (۲۰۲۲) دولت و مردم در یک ارتباط تنگاتنگ با هم قرار دارند و این رابطه در مورد کشورهای توسعه‌یافته بیشتر صادق است. چراکه در آنها، بسیاری از امور جامعه تنها از طریق درآمدهایی صورت می‌گیرد که به واسطه مالیات تأمین می‌شود. بیفردو و همکاران (۲۰۲۲) سپس نتیجه می‌گیرند که حوزه پرداخت مالیات نیز از جمله مواردی است که در آن تعارض منافع می‌تواند صورت بگیرد. به‌عنوان نمونه، زمانی که دولت، نرخ مالیات را تنها به سود خود بالا می‌برد و در آن، نفع شخصی دیگران را در نظر نمی‌گیرد، می‌تواند نوعی تعارض منافع میان شهروندان و دولت رخ دهد. نکته‌ای که بیفردو و

همکاران (۲۰۲۲) در این زمینه به آن اشاره می‌کنند و معتقدند که در نتیجه آن، تعارض منافع ممکن است باعث تشدید در فرار مالیاتی شود، توسعه فساد است که به اعتقاد آنها احتمالاً در نتیجه تعارض منافع رخ می‌دهد. به این معنا که تعارض منافع می‌تواند اعتماد مردم را نسبت به دولت سلب کرده و در نتیجه، فرار مالیاتی را افزایش بخشد (بیفردو و همکاران، ۲۰۲۲: ۳۴-۳۰).

در این پژوهش، براساس نظریه‌های موجود پیشین، سه گروه در فرهنگ مالیاتی، دخیل هستند. نخست؛ قوانین مالیاتی، دوم؛ سیاست‌گذاران مالیاتی که تصمیم‌گیرندگان هستند و در واقع قوانین مالیاتی از آنها نشأت می‌گیرد و در نهایت، مسئولان یا مأموران مالیاتی که همان اجراکنندگان قوانین مالیاتی هستند و رابطه مستقیمی نسبت به گروه‌های قبلی با شهروندان و مودیان مالیاتی دارند. تعارض منافع نیز با توجه به تحلیل و استخراج از مبانی نظری، در ۴ گروه تعارض منافع فردی/سازمانی، مالی/غیرمالی، بالقوه/بالفعل و نهادی/غیرنهادی در نظر گرفته شد. همچنین میان سرمایه اقتصادی شهروندان و تعارض منافع دولت با آنها رابطه‌ای متصور شده تا در نهایت مشخص شود که آیا این دو متغیر می‌توانند به صورت فردی و جمعی بر فرهنگ مالیاتی مؤثر باشند یا خیر.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

روش

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد از نوع پژوهش‌های کمی است. جامعه آماری شامل مودیان مالیاتی شهر بجنورد می‌باشند که در سال ۱۳۹۹ مالیات خود را پرداخت کرده و در سال ۱۴۰۰ نیز باید مالیات خود را پرداخت کنند و تعداد آن‌ها ۳۰ هزار نفر است. با توجه به این که تعداد مودیان مالیاتی شهر بجنورد مشخص است نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده و از فرمول حداکثری کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است که حجم آن ۳۸۴ نفر به دست آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق ساخته است. تکنیک پرسشنامه به این دلیل انتخاب شده که ۱. استخراج اطلاعات را در قالب مطالعه‌ای کمی امکان‌پذیر سازد؛ ۲. دقت گردآوری داده‌ها را بالا ببرد و ۳. امکان ارزیابی داده‌ها را در قالب اعداد مهیا ساخته و سرانجام این که ۴. امکان استفاده از آزمون‌های آماری دقیق را برای رسیدن به قدرت تعمیم‌پذیری بالا مهیا کند. در این تحقیق، پرسشنامه سه متغیر اصلی یعنی سرمایه اقتصادی، تعارض منافع شهروندان با دولت و فرهنگ مالیاتی را به همراه مولفه‌های فرعی آنها می‌سنجد. محقق با مراجعه مستقیم به نمونه آماری که به شکلی تصادفی انتخاب شده‌اند، داده‌ها را گردآوری کرده است. پایایی پرسشنامه از طریق آزمون کرونباخ (۰,۷۸) مورد تایید قرار گرفت. پرسشنامه را می‌توان دارای اعتبار صوری دانست. برای بررسی و رتبه‌بندی روابط از آزمون‌های رگرسیون ساده و چند متغیره استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل SPSS نسخه ۲۲ بوده است.

جدول ۶: داده‌های حاصل از آزمون آلفای کرونباخ

N of Items	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	Cronbach's Alpha
66	0.804	0.782

$$n = \frac{\sum \frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{\sum \frac{z^2 pq}{d^2}}{N}}$$

فرضیه‌های پژوهش

۱. سرمایه اقتصادی شهروندان شهر بجنورد بر فرهنگ مالیاتی آنان مؤثر می‌باشد.
۲. تعارض منافع شهروندان شهر بجنورد با دولت بر فرهنگ مالیاتی آنان مؤثر می‌باشد.
۳. سرمایه اقتصادی و تعارض منافع شهروندان شهر بجنورد با دولت بر فرهنگ مالیاتی آنان مؤثر می‌باشد.

تجزیه و تحلیل ابزار پژوهش

سطح معناداری آزمون نرمال بودن داده در ۳ متغیر بزرگتر از ۰,۰۵ است. به عبارت دیگر هر سه متغیر از فرض نرمال بودن برخوردار هستند. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و مقیاس فاصله‌ای متغیرها از آزمون تی تک‌نمونه استفاده شده است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری هر یک از مؤلفه‌ها از ۰,۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که آزمون‌ها در مورد کلیه مؤلفه‌ها معنادار هستند. با توجه به بزرگتر بودن میزان میانگین مؤلفه‌های بیان شده از میانگین جامعه، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر پاسخگویان، می‌توان مدلی برای شناسایی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ساخت (شکل ۱). براساس داده‌های به‌دست آمده، هیچ مؤلفه‌ای دارای بارعاملی کمتر از ۰,۵ نیست و در نتیجه از فرآیند تحلیل خارج نمی‌شوند، بنابراین تمام آنها در مدل باقی می‌مانند. در این تحقیق نیز برای ارزیابی نیکویی برازش گویه‌ها از معیارهای مطلوبیت استفاده شده است. با توجه به داده‌ها مشاهده می‌شود که آماره‌های برازش در سطح قابل قبولی قرار دارند، در نتیجه مدل طراحی شده، برازندگی خوبی دارد و نیازی به اصلاح و تغییر در آن نیست.

ارائه داده‌ها (یافته‌های توصیفی)

برای توصیف بهتر داده‌ها، در این قسمت، یافته‌های توصیفی در قالب جدول ۱ بیان شده‌اند که نشان می‌دهند هر یک از متغیرهای پژوهش به همراه مولفه‌های آنها چه وضعیتی در نمونه آماری مورد مطالعه دارند.

جدول ۱: وضعیت توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها/عوامل	ضعیف	متوسط	شدید	وضعیت
سرمایه اقتصادی	۵۰ درصد	۳۵ درصد	حدود ۱۴,۵ درصد	متوسط رو به بالا
فرهنگ مالیاتی	حدود ۴۰ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۲۸ درصد	متوسط رو به پایین
تبلیغات مالیاتی	۳۹ درصد	حدود ۳۴ درصد	حدود ۲۷ درصد	متوسط رو به پایین
آگاهی مالیاتی	حدود ۵۴ درصد	حدود ۳۱ درصد	حدود ۱۵ درصد	ضعیف
کارآمدی مصارف مالیاتی	حدود ۴۲ درصد	حدود ۳۶ درصد	حدود ۲۲,۵ درصد	ضعیف
آموزش مالیاتی	حدود ۴۶ درصد	حدود ۲۹ درصد	۲۵ درصد	ضعیف
تعارض منافع مالیاتی	۲۶ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۴۱ درصد	شدید
عدالت اجتماعی	حدود ۳۸ درصد	حدود ۳۵ درصد	حدود ۲۸ درصد	متوسط رو به پایین
رفاه عمومی	حدود ۴۱ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۲۶ درصد	متوسط رو به پایین
فساد مالی و اداری	حدود ۲۹ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۳۸ درصد	متوسط رو به بالا
اعتماد عمومی به سازمان امور مالیاتی	حدود ۳۸ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۲۹ درصد	متوسط رو به بالا
میزان پاسخگویی سازمان‌ها	حدود ۳۱ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۳۶ درصد	متوسط رو به بالا
مشارکت در امور اجتماعی	حدود ۳۸ درصد	حدود ۳۳ درصد	حدود ۲۹ درصد	متوسط رو به پایین

جدول ۲: آزمون تی تک نمونه‌ای در ابعاد مورد سنجش

عامل	مولفه‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
						حد بالا	حد پایین	
درآمد	پول حاصل از کار	۷,۹۸۷	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۰۹	۰,۳۷۵	۰,۹۸۴	۵,۸۴۳
جلوگیری از فرار مغزها	بی‌توجهی سازمان‌ها به فرار مغزها	۶,۲۵۴	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۲۹	۰,۳۱۵	۰,۸۸۴	۴,۳۱۷
پاداش	عایدی در ازای هر امری که می‌تواند شامل کار باشد یا نباشد	۵,۹۹۷	۳۸۴	۰,۰۰۷	۰,۵۲۴	۰,۲۹۷	۰,۸۲۱	۷,۸۵۳
دارا بودن شغل	هر فرد باید کاری را در زندگی خود انجام دهد	۶,۲۴۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۳۸۵	۰,۳۰۵	۰,۶۹۰	۸,۶۱۶
داشتن امکانات رفاهی	برخورداری از رفاه نسبی	۶,۲۴۰	۳۸۴	۰,۰۰۵	۰,۴۷۹	۰,۳۲۰	۰,۷۹۹	۳,۲۲۰

عامل	مولفه‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
						حد پایین	حد بالا	
مسکن	دارا بودن سرنیاهی برای زندگی	۵,۵۹۹	۳۸۴	۰,۰۰۲	۰,۴۵۰	۰,۳۱۴	۰,۷۶۴	۷,۰۰۹
داشتن اتومبیل	داشتن وسیله‌ای برای کار و رفاه	۶,۷۵۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۷۳	۰,۳۰۷	۰,۸۸۰	۴,۱۲۲
عدالت اجتماعی	برابری افراد در برابر قانون مالیات	۵,۳۵۸	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۹۵	۰,۴۱۱	۰,۹۰۶	۶,۳۱۰
رفاه عمومی	برنامه‌های جدید برای درآمدزایی	۷,۵۳۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۷۲	۰,۳۲۵	۰,۸۹۷	۴,۱۳۰
	تغییر در شیوه‌های مدیریت سابق	۶,۹۷۸	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۱۳	۰,۴۰۱	۰,۹۱۴	۴,۷۹۰
	ایده‌های جدید نظیر کارآفرینی و در مدیریت و برنامه‌ریزی	۶,۲۴۰	۳۸۴	۰,۰۰۱	۰,۴۳۹	۰,۳۲۵	۰,۷۹۱	۳,۲۳۶
اقتصاد ناسالم	عدم گرایش به درآمد مردم	۷,۴۴۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۷۲	۰,۳۲۵	۰,۸۸۳	۴,۱۱۶
	رانت‌جویی	۶,۶۷۹	۳۸۴	۰,۰۰۱	۰,۵۱۳	۰,۴۰۱	۰,۹۰۴	۲,۷۳۰
	همکاری دولت در اقتصاد سالم	۶,۵۴۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۶۵	۰,۳۳۰	۰,۷۹۵	۴,۱۱۵
	تلاش برای پاک‌سازی مسئولان کشور	۷,۲۳۱	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۱۱	۰,۳۷۵	۰,۸۸۶	۴,۲۹۰
فساد اداری و مالی	فعالیت تبهکارانه گروه‌های مختلف	۵,۲۹۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۶۲	۰,۴۱۱	۰,۸۷۳	۷,۱۵۰
اصلاح بودجه	تغییر در محتوای بودجه به سود حل تضاد میان منافع مردم و دولت	۷,۹۸۷	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۰۹	۰,۳۷۵	۰,۹۸۴	۵,۸۴۳
رشد و توسعه اقتصادی	تغییر در وضعیت فعلی اقتصاد جامعه	۹,۴۶۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۳۹	۰,۳۹۴	۰,۸۲۳	۴,۶۱۶
	اصلاح ساختارهای اقتصادی فعلی	۶,۵۴۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۶۰	۰,۴۱۹	۰,۶۱۳	۶,۵۴۰
	توجه به درآمد سرانه مردم عادی	۶,۵۴۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۶۵	۰,۳۳۰	۰,۷۹۵	۴,۱۱۵
عدم اعتماد عمومی	نگرش منفی مردم نسبت به دولت	۴,۶۷۲	۳۸۴	۰,۰۰۲	۰,۳۳۵	۰,۲۵۰	۰,۹۵۱	۴,۵۲۰
خدمات عمومی	ارائه خدمات عمومی به مردم	۹,۱۷۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۱۲	۰,۱۸۹	۰,۷۲۴	۲۱۶

عامل	مولفه‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
						حد بالا	حد پایین	
خصوصی سازی	بهبود رابطه میان دولت و مردم با ایجاد و توسعه خصوصی سازی	۵,۶۷۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۹۹	۰,۹۵۳	۰,۲۵۴	۴,۵۲۰
مشارکت اجتماعی	مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف جامعه	۴,۲۱۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۲۱۳	۰,۳۱۳	۰,۸۸۵	۳,۴۴۳
پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی دولت به مردم و سازمان‌های ذی‌ربط	۲,۷۵۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۳۱۶	۰,۲۷۳	۰,۶۵۶	۳,۱۵۵
بازدهی اقتصادی	بازدهی بالای فعالیت‌های دولت برای مردم	۹,۴۶۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۳۹	۰,۳۹۴	۰,۸۲۳	۴,۶۱۶
توسعه شهری	توسعه رفاهی	۴,۲۱۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۲۱۳	۰,۳۱۳	۰,۸۸۵	۳,۴۴۳
کاغذبازی اداری	کاهش روندهای رسیدگی به امور	۶,۵۴۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۶۰	۰,۴۱۹	۰,۶۱۳	۶,۵۴۰
	کاهش سرعت راه‌اندازی مشاغل	۷,۹۸۷	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۰۹	۰,۳۷۵	۰,۹۸۴	۵,۸۴۳
چرخه قدرت	دستیابی به منافع حاصل از قدرت	۵,۲۱۳	۳۸۴	۰,۰۰۵	۰,۱۱۸	۰,۲۱۶	۰,۶۴۹	۵,۲۲۵
تبادل اطلاعات	تلاش برای ارائه به موقع اطلاعات	۴,۲۱۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۱۵۷	۰,۳۲۱	۰,۴۴۶	۳,۴۴۵
جامعه‌پذیری مالیاتی	لزوم نهادینه‌سازی پرداخت مالیات	۹,۴۶۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۳۹	۰,۳۹۴	۰,۸۲۳	۴,۶۱۶
نبود تبلیغات مالیاتی	ناآگاهی مردم از پرداخت مالیات	۶,۶۷۹	۳۸۴	۰,۰۰۱	۰,۵۱۳	۰,۴۰۱	۰,۹۰۴	۲,۷۳۰
شفافیت قوانین مالیاتی	اطلاعات ناکافی از پرداخت مالیات	۴,۹۶۱	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۴۵۹	۰,۷۲۰	۰,۳۱۳	۳,۴۴۵
	نامشخص بودن محاسبه نرخ مالیاتی							
کارآمدی مصارف مالیاتی	عدم شفافیت هزینه کرد مالیاتی	۵,۶۷۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۹۹	۰,۲۵۴	۰,۹۵۳	۴,۵۲۰
	بی‌اطلاعی از اهمیت مالیات	۷,۲۵۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۲۴۸	۰,۲۰۷	۰,۱۸۸	۳,۱۵۶
کارآمدی مصارف مالیاتی	عدم شفافیت هزینه‌کرد مالیاتی	۳,۲۲۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۱۵۹	۰,۲۱۶	۰,۲۴۵	۵,۲۴۰
	بی‌اطلاعی از اهمیت مالیات	۴,۲۱۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۲۱۳	۰,۳۱۳	۰,۸۸۵	۳,۴۴۳

عامل	مولفه‌ها	T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
						حد پایین	حد بالا	
آموزش مؤدیان	ناآگاهی مردم نسبت به مالیات	۹,۱۷۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۵۱۲	۰,۱۸۹	۰,۷۲۴	۰,۲۱۶
حمایت از اقشار ضعیف	لزوم توجه به اقشار آسیب‌پذیر	۲,۷۵۰	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۳۱۶	۰,۲۷۳	۰,۶۵۶	۳,۱۵۵
رکود اقتصادی	بیماری اقتصادی در کشور	۳,۲۱۴	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۹۵۷	۰,۱۴۷	۰,۱۵۶	۴,۱۴۷
تورم	بی ثباتی قیمت‌ها	۳,۲۱۴	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۹۵۷	۰,۱۴۷	۰,۱۵۶	۴,۱۴۷
	تغییر روزانه قیمت‌ها	۲,۲۷۵	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۱۵۹	۰,۹۸۰	۰,۷۵۶	۰,۶۶۰
	ناپایداری روند اقتصادی در کشور	۵,۶۷۲	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۹۹	۰,۲۵۴	۰,۹۵۳	۴,۵۲۰
بی ثباتی	تزلزل روندهای اقتصادی در کشور	۷,۹۸۷	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۶۰۹	۰,۳۷۵	۰,۹۸۴	۵,۸۴۳
حاکمیت قانون	برخورد قانونی دولت با مردم یک جامعه	۳,۲۱۴	۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۹۵۷	۰,۱۴۷	۰,۱۵۶	۴,۱۴۷

جدول ۳: شاخص‌های برازش تأثیر تعارض منافع و سرمایه اقتصادی بر فرهنگ مالیاتی

ردیف	ابعاد	شاخص‌های برازندگی مطلق / نسبی	مدل نهایی برازش شده	معیار ارزیابی	نتیجه
۱۱	دارا بودن شغل	Chi – square/df	۱۱۲,۵۴	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۵۴	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۴۱	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۳۰	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۵۰	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۴۰	حداقل ۰,۹	
۱۲	نبود تبلیغات مالیاتی	Chi – square/df	۲۶,۴۵	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۲	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۵۹	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۸۱	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۰۱	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۴۵	حداقل ۰,۹	
۱۳	اقتصاد ناسالم	Chi – square/df	۱۱۶,۵۴	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۳۹	کمتر از ۰,۱	

ردیف	ابعاد	شاخص‌های برازندگی مطلق / نسبی	مدل نهایی برازش شده	معیار ارزیابی	نتیجه
		SRMR	۰,۰۴۸	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۸۴۷	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۸۵۹	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۶۳	حداقل ۰,۹	
۱۴	خصوصی سازی	Chi – square/df	۲۶,۴۰	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۰	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۶۳	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۸۸۴	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۸۳۵	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۷۲۵	حداقل ۰,۹	
۱۵	رفاه عمومی	Chi – square/df	۱۱۲,۵۴	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۵۴	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۴۱	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۳۰	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۵۰	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۴۰	حداقل ۰,۹	
۱۶	جامعه‌پذیری مالیاتی	Chi – square/df	۱۲,۴۵	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۵	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۳۷	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۵۵۴	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۷۳۱	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۸۴۰	حداقل ۰,۹	
۱۸	پاسخ‌گویی	Chi – square/df	۴۰,۴۵	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۰	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۳۶	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۴۲	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۱۷	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۶۳	حداقل ۰,۹	
۱۹	اصلاح بودجه	Chi – square/df	۱۸,۳۹	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۳۷	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۹۹	کمتر از ۰,۰۸	

ردیف	ابعاد	شاخص‌های برازندگی مطلق / نسبی	مدل نهایی برازش شده	معیار ارزیابی	نتیجه
		GFI	۰,۸۷۳	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۸۷۳	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۲۵	حداقل ۰,۹	
۲۰	توسعه شهری	Chi – square/df	۳۹,۴۵	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۵	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۵۳	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۰۷	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۱۶	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۱۱	حداقل ۰,۹	
۲۱	تبادل اطلاعات	Chi – square/df	۲۵,۱۹	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۱	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۶۲	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۰۰	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۱۲	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۱۷	حداقل ۰,۹	
۲۲	بازدهی اقتصادی	Chi – square/df	۲,۱۸	کوچکتر یا مساوی ۵	مناسب
		RMSEA	۰,۰۱۱	کمتر از ۰,۱	
		SRMR	۰,۰۶۴	کمتر از ۰,۰۸	
		GFI	۰,۹۰۱	حداقل ۰,۹	
		NDI	۰,۹۲۲	حداقل ۰,۹	
		CDI	۰,۹۳۶	حداقل ۰,۹	

جدول ۴: Item-Total Statistics

Cronbach's Alpha if Item Deleted	Squared Multiple Correlation	Corrected Item-Total Correlation	Scale Variance if Item Deleted	Scale Mean if Item Deleted	
.۷۲۳	.	.۲۳۴	۱۵۳.۹۱۸	۱۲۱.۴۵۲۸	SMEAN (۵۱)

جدول ۵: توصیف پاسخگویان براساس متغیر ناحیه محل زندگی

منطقه	ناحیه	آقایان	خانم‌ها	کل نمونه
۱	۱	۳۴	۱۴	۴۸
	۲	۳۶	۱۲	۴۸

منطقه	ناحیه	آقایان	خانم‌ها	کل نمونه
	۳	۳۰	۱۸	۴۸
	۴	۳۵	۱۳	۴۸
۲	۱	۴۰	۸	۴۸
	۲	۴۱	۷	۴۸
	۳	۲۸	۲۰	۴۸
	۴	۳۳	۱۵	۴۸
	کل	۲۷۷	۱۰۷	۳۸۴

تحلیل کمی داده‌ها (یافته‌های استنباطی)

داده‌ها نشان دادند که سرمایه اقتصادی دارای مؤلفه‌های درآمد، داشتن امکانات رفاهی و توسعه اقتصادی است. مؤلفه‌های فرهنگ مالیاتی شامل پاسخ‌گویی، تبادل اطلاعات، جامعه‌پذیری مالیاتی، نبود تبلیغات مالیاتی است و تعارض منافع شامل مؤلفه‌های اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی، خدمات عمومی، عدالت اجتماعی، فساد اداری و مالی، خصوصی‌سازی و بوروکراسی اداری است. این داده‌ها نشان می‌دهند که نیازی به اضافه یا کم کردن هیچ مؤلفه‌ای به متغیرها نیست و با استفاده از همین عامل‌ها، می‌توان به طراحی پرسشنامه اقدام کرد. در ادامه، نخست پرسشنامه ارائه می‌شود و سپس آزمون‌های آماری برای سنجش متغیرها بیان می‌شوند تا «پرسشنامه اصلی»، تدوین شود. براساس داده‌ها ۵۱ سوال قابل استخراج است. آزمون نخست به‌وسیله توزیع پرسشنامه در میان ۲۰ نفر از اعضای نمونه، با ابزار آلفای کرونباخ انجام گرفت. مقدار این آماره حدود ۷۸ درصد به‌دست آمده که مقدار قابل قبولی است. همچنین جدول item total statistics نشان می‌دهد که حذف ۱ مورد از سوالات (سوال ۵۱)، منجر به افزایش آلفای کرونباخ به ۸۰ درصد می‌شود. پس به جز سوال مذکور، بقیه گویه‌ها در این تحلیل باقی می‌مانند.

پاسخگویی به سوالات پژوهش

فرضیه فرعی نخست: سرمایه اقتصادی شهروندان بر فرهنگ مالیاتی تأثیر دارد. برای آزمون فرضیه، از آزمون پیرسون استفاده شده است. داده‌های حاصل از این آزمون به‌همراه تأثیر این متغیر بر مؤلفه‌های فرهنگ مالیاتی در جدول

زیر ارائه شده است. این داده‌ها نشان می‌دهند که سرمایه اقتصادی بر فرهنگ مالیاتی مؤثر است به‌طوری‌که هرچه سرمایه اقتصادی بالاتر باشد، تمایل به فرار مالیاتی، افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش سرمایه، تمایل به آن کاهش می‌یابد. از سوی دیگر این داده‌ها نشان می‌دهند که میان مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی با فرهنگ مالیاتی رابطه وجود دارد، به این معنا که جامعه‌پذیری مالی، موجب گرایش به پرداخت مالیات می‌شود. کارآمدی مصارف مالیاتی نیز پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد. تبلیغات مالیاتی، نگرش مثبتی را در مودیان مالیاتی نسبت به پرداخت آن ایجاد می‌کند و شفافیت قوانین مالیاتی و عادلانه بودن آن نیز باعث تمایل بیشتر مودیان به پرداخت مالیات می‌شود. به‌این‌ترتیب این فرضیه تأیید می‌شود. همچنین هریک از مؤلفه‌ها تأثیر خاصی بر فرهنگ مالیاتی دارند به‌طوری‌که میان آنها با توجه به اندازه آزمون، سلسله مراتب خاصی در تأثیرگذاری بر فرهنگ مالیاتی وجود دارد. به‌این‌ترتیب که آموزش یا جامعه‌پذیری مودیان مالیاتی در رتبه نخست اهمیت قرار می‌گیرد و نسبت به ۳ مؤلفه دیگر، بیشترین اثر را بر فرهنگ مالیاتی دارد و پس از آن، مؤلفه کارآمدی مصرف مالیاتی در رتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. تبلیغات مالیاتی، سومین مؤلفه با اهمیت است و قوانین مالیاتی در آخرین مرتبه اهمیت قرار می‌گیرد که البته با توجه به منطقی که در فرار مالیاتی دیده می‌شود، می‌توان این ترتیب رتبه‌گذاری را منطقی دانست. با این وجود، مسئله این است که هنوز این رتبه‌بندی، مورد آزمون قرار نگرفته و لازم است که با استفاده از آزمون پیرسون، رتبه‌بندی مذکور، مورد سنجش قرار گیرد. داده‌های آزمون رگرسیون نشان می‌دهند که رتبه‌بندی مذکور، تأیید می‌شود.

جدول ۶: داده‌های حاصل از آزمون پیرسون

فرهنگ مالیاتی		متغیرها	
سطح معناداری	آزمون پیرسون	سرمایه اقتصادی	
۰,۰۰۰	-۰,۳۶۴		
۰,۰۰۰	۰,۳۷۲	تبلیغات مالیاتی	مؤلفه‌ها
۰,۰۰۰	۰,۲۸۵	قوانین مالیاتی	
۰,۰۰۰	۰,۳۸۶	کارآمدی مصارف مالیاتی	
۰,۰۰۰	۰,۴۶۰	آموزش یا جامعه‌پذیری مودیان	

$$R = X_1 + X_2 + X_3 + X_4 = 0.138 + 0.081 + 0.149 + 0.212$$

فرضیه فرعی دوم: تعارض منافع شهروندان بر فرهنگ مالیاتی تأثیر دارد. داده‌ها جدول نشان می‌دهند که تعارض منافع بر فرار مالیاتی شهروندان مؤثر است، بنابراین هرچه تعارض منافع بیشتر باشد، تمایل به فرار مالیاتی، افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش تعارض، فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. این داده‌ها نشان می‌دهند که میان مؤلفه‌های تعارض منافع با فرهنگ مالیاتی رابطه وجود دارد، به این معنا که عدالت اجتماعی موجب گرایش به پرداخت مالیات می‌شود. رفاه اقتصادی، اعتماد عمومی، پاسخگوئی و مشارکت اجتماعی هم سطح پرداخت مالیات را افزایش می‌دهد. فساد اداری و مالی، نگرش منفی را در مودیان مالیاتی نسبت به پرداخت آن ایجاد می‌کند. به این ترتیب این فرضیه تأیید می‌شود. همان گونه که سطوح معناداری برای فرضیه‌ها نشان می‌دهند، هریک از مؤلفه‌ها تأثیر خاصی بر فرهنگ مالیاتی دارند به طوری که میان آنها با توجه به اندازه آزمون، سلسله مراتب خاصی در

جدول ۷: داده‌های حاصل از آزمون پیرسون

فرهنگ مالیاتی		متغیرها	
سطح معناداری	آزمون پیرسون	تعارض منافع	
۰,۰۰۰	-۰,۴۱۶	عدالت اجتماعی	مؤلفه‌ها
۰,۰۰۰	۰,۴۱۸	رفاه اقتصادی	
۰,۰۰۰	۰,۴۰۶	فساد اداری و مالی	
۰,۰۰۰	-۰,۲۷۲	اعتماد عمومی	
۰,۰۰۰	-۰,۳۱۲	پاسخگوئی	
۰,۰۰۰	۰,۳۱۸	مشارکت اجتماعی	
۰,۰۰۰	۰,۳۲۵		

تأثیرگذاری بر فرهنگ مالیاتی وجود دارد. به این ترتیب که عدالت اجتماعی، بیشترین اثر را بر فرهنگ مالیاتی دارد و پس از آن، مؤلفه رفاه اقتصادی، قرار می‌گیرد. مشارکت اجتماعی، سومین مؤلفه مهم در این رابطه است و مؤلفه چهارم شامل پاسخگوئی است. مؤلفه پنجم اعتماد عمومی است و در نهایت، متغیر فساد اداری و مالی قرار می‌گیرد که البته با توجه به منطقی که در فرار مالیاتی قرار دارد، می‌توان این ترتیب رتبه‌گذاری را منطقی دانست. داده‌های

آزمون رگرسیون نشان می‌دهند که رتبه‌بندی و سلسله‌مراتب مذکور، مورد تأیید است.

$$R = X1 + X2 + X3 + X4 + X5 + X6 = 0.175 + 0.165 + 0.106 + 0.101 + 0.097 + 0.074$$

فرضیه اصلی: سرمایه اقتصادی شهروندان و تعارض منافع آنان با دولت، بر فرهنگ مالیاتی اثراتی اثرائتی دارد. برای آزمون این فرضیه، از آزمون رگرسیون همزمان استفاده می‌کنیم. داده‌های جدول زیر نشان می‌دهند که آزمون رگرسیون، معنادار هستند و در واقع زمانی که هر دو متغیر مستقل به صورت همزمان وارد فرآیند تحلیل می‌شوند، تأثیر معناداری بر فرهنگ مالیاتی بر جای می‌گذارند. با این حال همچنان که این داده‌ها نشان می‌دهند، در این رابطه، تأثیر متغیر تعارض منافع شهروندان با دولت نسبت به سرمایه اقتصادی، بر فرهنگ مالیاتی شدیدتر است. به این معنا که با تغییر در تعارض منافع نسبت به سرمایه اقتصادی، بیشتر می‌توان به فرهنگ مالیاتی یعنی پذیرش پرداخت مالیات در شهروندان دست یافت.

جدول ۸: داده‌های حاصل از آزمون رگرسیون همزمان

	N	Minimum	maximum	Mean	Std. Deviaiotn
Outcome of 1 test	۳۸۴	۳۶	۷۲	۳۶.۵۴	۱.۲۴
Outcome of 2 test	۳۸۴	۷۲	۲۱۶	۷۲.۴۸	۱.۸۸
Valid N	۳۸۴	-	-	-	-

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان دادند که سرمایه اقتصادی بر فرهنگ مالیاتی مؤثر است و با افزایش آن، فرهنگ مالیاتی شهروندان شهر بنجورد به پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. این نتیجه تاکنون در تحقیقات و پژوهش‌های قبلی به دست نیامده است. با توجه به این که نمی‌توان توصیه به کاهش سرمایه اقتصادی شهروندان داشت، به‌ناچار باید متغیر دوم را در نظر گرفت. این متغیر، تعارض منافع شهروندان با دولت است که بر اساس داده‌ها در رابطه مستقیمی با پرداخت مالیات از سوی شهروندان و فرار مالیاتی قرار دارد؛ یعنی هرچه تعارض منافع شهروندان با دولت کمتر باشد، فرار مالیاتی آنها کمتر می‌شود و برعکس؛ تعارض

رار مالیاتی در میان مردم یک جا
پیشین را چه از نوع داخلی و
سر دانست.

پیشنهاده‌ها

با توجه به این که یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند که تعارض منافع دولت با شهروندان می‌تواند باعث کاهش گرایش نسبت به پرداخت مالیات از سوی شهروندان شهر بجنورد شود، بنابراین به مسئولان، برنامه‌ریزان و مدیران سازمان امور مالیاتی استان خراسان شمالی و در رأس آنها، شهر بجنورد توصیه می‌شود

که با راهکارهایی نظیر: شفافیت مالیاتی بیشتر، عادلانه‌تر کردن نظام پرداخت و دریافت مالیاتی، تقویت توان اقتصادی مردم از قبیل توزین و منظم کردن نظام پرداخت یارانه، و ... تعارض‌های میان منافع خود (منظور سازمان یا دولت) با منافع شهروندان را کاهش داده و در نتیجه مردم و شهروندان را ترغیب به پرداخت مالیات کنند. از طرف دیگر با توجه به این‌که فرضیه بعدی نشان داده که با افزایش سرمایه اقتصادی، گرایش مردم نسبت به پرداخت مالیات کاهش می‌یابد و ما نیز نمی‌توانیم مردم را به کاهش سرمایه اقتصادی تشویق کنیم، بنابراین تنها راه ممکن، تاکید بر کاهش تعارض‌های میان منافع مردم با شهروندان است. درنهایت این‌که فرضیه نهایی نشان داد که افزایش سرمایه اقتصادی و کاهش تعارض‌های به‌صورت توأمان و همزمان نیز می‌تواند کاهش فرار مالیاتی را به‌دنبال داشته باشد، از این‌رو به نظام و حاکمیت کشور توصیه می‌شود که با وجود تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم، به تعارض‌های میان منافع خود و مردم نیز توجه کرده و سعی در کاهش آن داشته باشد.

سپاسگزاری

از کلیه عزیزانی که ما را در انجام و به نتیجه رساندن این پژوهش یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

انصاری، باقر. (۱۴۰۱). مدیریت تعارض منافع در بخش عمومی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره پنجاه و دوم، شماره یکم. صص: ۳۲۱-۲۹۷.

<https://doi.org/10.22059/jplsq.2020.292517.2235>

باوفا، امیرحسین؛ چاهخوئی نژاد رفسنجان، الهام و باوفا، ابوالفضل. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی استان ایلام. فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۱۸۷-۱۵۹.

https://www.farhangeilam.ir/article_133915.html

حسنوند، مهدی؛ یزدان زازرانی و گودرزی، مهسا. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های فرآیند سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ششم، شماره یک. صص: ۲۶۰-۲۴۳.

https://jppolicy.ut.ac.ir/article_76989.html

حسینی‌نوریان، سیدابراهیم؛ رحمانی فیروزجاه، علی و فرزانه، سیفالله. (۱۳۹۸). رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگ مالیاتی (مطالعه موردی: مودیان مالیاتی شهرهای غرب استان مازندران). جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. سال هشتم. شماره ۲.

https://sociology.tabrizu.ac.ir/article_9824.html?lang=fa

حمزه‌سیاه‌بیل، علی‌رضا، معظمی، مجتبی؛ کاووسی، اسماعیل و ذوالفقاری‌زعفرانی، رشید. (۱۴۰۰). مدیریت تعارض در آموزش عالی و تأثیر آن بر امنیت ملی. مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. دوره سیزده. شماره ۵۲، صص: ۲۱-۱.

<https://sanad.iau.ir/journal/jpir/Article/696527?jid=696527>

حیدری، محمد؛ قاسمی، وحید؛ رنانی، محسن و ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۸). مروری نظام‌مند بر مطالعات فرهنگ مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن در ایران دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. سال ششم، شماره دوم. صص: ۱۱۶-۸۵.

زنگانه، اعظم؛ سمیعی، روح‌الله و مستقیمی، محمودرضا. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر بهبود فضای کسب‌وکار. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. جلد هشتم. شماره اول. صص: ۶۶-۵۱.

https://jead.gau.ac.ir/article_5620.html

طلائی‌زاده، علی؛ نوروش، ایرج؛ محمدی‌ملقرانی، عطالله؛ سحابی، جلیل. (۱۳۹۹). بررسی رابطه فرهنگ مالیاتی و ریسک شرکت‌ها با تأکید بر اجتناب مالیاتی

(شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوازدهم. شماره دوم، پیاپی ۴۴، صص: ۷۱-۹۸.

https://far.ui.ac.ir/article_24496.html

کریمی‌پتانلار، سعید و خطیبی، یاسر. (۱۳۹۹). اثر مالیات بر ارزش افزوده بر ثبات اقتصاد بخش عمومی در ایران (با رویکرد ارتقای اخلاق و فرهنگ مالیاتی)، اخلاق در علوم و فن‌آوری. سال پانزدهم. شماره ۲، صص: ۷۵-۷۰.

<https://ethicsjournal.ir/article-1-1856-fa.html>

Blanthrone, C. and Kaplan, S. (2018). "An Egocentric Model of the Relations among the Opportunity to Underreport, Social Norms, Ethical Beliefs, and Underreporting Behavior", *Accounting, Organizations and Society*. Vol. 33, pp. 684- 703.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0361368208000081>

D.A. Endovitsky† and D.G. Lomsadze (2019). Assessment of the Tax Culture and the Size of the Shadow Economy in European Studies, *Endovitsky & Lomsadze. Space and Culture, India*, 7: 3.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0361368208000081>

Irina, Korostelkina (2020). Models of tax relations: improving the tax culture and discipline of taxpayers in the interests of sustainable development, Volume 159.

<https://doi.org/10.1051/e3sconf/202015906014>

Yunus, N., Ramli, R., & Syuhada, N. (2017). Tax penalties and tax compliance of Small Medium Enterprises (SMEs) in Malaysia. *International Journal of Business, Economics, and Law*, 12(1), 81-91.

<https://www.ijbel.com/wp-content/uploads/2017/07/ACC-342.pdf>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی